

تنهایی در عصر دیجیتال



قادر باستانی تبریژی

پژوهشگر علوم ارتباطات

در دنیایی که فناوری‌های ارتباطی بیش از هر زمان دیگری گسترده شده‌اند، پارادوکس عمیقی جامعه را دربرگرفته است؛ انسان‌ها بیش از همیشه به هم متصل‌اند، اما احساس تنهایی و انزوی اجتماعی در حال گسترش است. تنهایی برخلاف تصور رایج، یک مسئله فردی نیست، بلکه بحرانی اجتماعی است که بر ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد. جامعه‌ای که شهروندان از هم فاصله‌گیرند، به‌مرور زمان سرمایه اجتماعی خود را از دست می‌دهد و در برابر بحران‌های اجتماعی و سیاسی آسیب‌پذیرتر می‌شود. یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل این پدیده، نظریه «گستره همگانی» هابرماس است. این نظریه به فضایی اجتماعی اشاره دارد که در آن شهروندان آزادانه به تبادل نظر و گفت‌وگویی پردازنده و افکار عمومی شکل می‌گیرند. در جوامع سنتی، گستره همگانی به شکل میدانی عمومی، قهوه‌خانه‌ها، مجالس و دیگر اجتماعات مردمی تجلی می‌یافت. این فضاها نمتها امکان تعامل و برقراری ارتباط اجتماعی را فراهم می‌کردند، بلکه به ایجاد حس تعلق جمعی و تقویت هویت اجتماعی کمک می‌کردند. در جوامع مدرن، به‌ویژه با ظهور فضای مجازی و تغییر سبک زندگی شهری، گستره همگانی سنتی دچار تغییر و افول شده است. فرد امروزی، به‌ویژه در طبقه متوسط شهری، اغلب فاقد فضاهای اجتماعی سنتی برای تعاملات آزادانه است. قهوه‌خانه‌ها و مراکز تجمع عمومی که در گذشته نقش مهمی در ایجاد پیوندهای اجتماعی داشتند، یا به کلی از میان رفته‌اند یا به محیط‌هایی محدود و گزینشی تبدیل شده‌اند که دسترسی به آن‌ها برای همه امکان‌پذیر نیست. کافه‌های مدرن که می‌توانستند جایگزینی برای این فضاها باشند، اغلب به اماکنی لوکس و تجاری بدل شده‌اند که طبقات اقتصادی پایین‌تر امکان استفاده از آن‌ها را ندارند. این محدودیت‌ها باعث شده است که شهروندان، به‌رغم حضور در جوامع پُرجمعیت، احساس تنهایی و انزوا کنند. از دیدگاه چارلز تیلور، فیلسوف کانادایی، گستره همگانی یکی از عناصر ضروری در شکل‌گیری جوامع مدرن است. به باور او، جوامع دموکراتیک به فضایی نیاز دارند که در آن افکار عمومی به‌طور آزادانه بیان و بازتاب داده شوند. هابرماس نیز ریشه‌های گستره همگانی را در قرن هجدهم جست‌وجوی کند. فضاهایی که در آن‌ها تبادل آراء اندیشه و مشارکت اجتماعی امکان‌پذیر بود. امروزه شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان بستری جایگزین برای گستره همگانی سنتی هستند؛ بااین حال این پلتفرم‌ها، به‌رغم فراهم کردن امکان تبادل نظر و ارتباطات گسترده، نتوانسته‌اند جایگزینی کامل برای تعاملات چهره‌به‌چهره باشند. یکی از دلایل این امر، ماهیت سطحی و زودگذر ارتباطات مجازی است که برخلاف ارتباط چهره‌به‌چهره، فاقد عمق احساسی و اجتماعی لازم برای تقویت پیوندهای انسانی است. پیامد این تحول، افزایش احساس بیگانگی اجتماعی و کاهش همبستگی جمعی است. انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی، نیازمند تعامل مستقیم و حضور فیزیکی در کنار دیگران است. فقدان این نوع ارتباطات، به‌ویژه برای اقشاری که امکان مشارکت در فضاهای اجتماعی سنتی را ندارند، منجر به بروز حس انزوا و کاهش رضایت از زندگی می‌شود. علاوه بر این، نهادها و اجتماعی و فرهنگی که در گذشته نقش مهمی در تقویت روابط اجتماعی ایفا می‌کردند، اکنون از کارکرد اصلی خود فاصله گرفته‌اند. برای مثال، مساجد و مراکز دینی که زمانی محل گرد هم آمدن مردم بود، به‌دلیل سیاسی شدن و تغییر کارکردهای سنتی، نتوانسته‌اند جایگاه خود را در ایجاد ارتباطات اجتماعی حفظ کنند. این امر به‌ویژه در میان نسل جوان - که رویکردی متفاوت نسبت به نهادها و سنتی دارد - باعث افزایش احساس بیگانگی و تنهایی شده است. برای مقابله با این معضل، ضروری است که سیاست‌های اجتماعی در جهت رفع موانع حضور جوانان در مساجد و نیز احیای فضاهای عمومی و توسعه محیط‌های اجتماعی جدید حرکت کنند. این فضاها می‌توانند شامل کافه‌های عمومی با هزینه‌های پایین، مراکز فرهنگی و هنری، پارک‌های اجتماعی، و فضاهای مشارکتی باشند که در آن‌ها افراد از طبقات و گروه‌های مختلف بتوانند آزادانه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. نکته مهم - در طراحی این فضاها، استقلال آن‌ها از مداخلات سیاسی و دولتی است، چراکه هرگونه وابستگی به قدرت سیاسی می‌تواند از پویایی و پذیرش عمومی این محیط‌ها بکاهد. ایجاد چنین فضاهایی مستلزم همکاری میان نهادهای مدنی، بخش خصوصی و شهروندانی است که دغدغه تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام ملی را دارند. آینده‌ای که در آن، به‌جای ارتباطات دیجیتال، پیوندهای انسانی دوباره ارزش پیدا کند، آینده‌ای پایدارتر و انسانی‌تر خواهد بود.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سیمیه منتقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۰۷۰ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هممیهن. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



داستان دو کوروش

آیا ایلان ماسک بعد از «آتاباسیس» سراغ «کوروش نامه» گزنفون می‌رود؟



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

نیز داشت و آن، آشکار ساختن ضعفی است که در سامانه سیاسی و نظامی هخامنشیان رخنه کرده بود. وقتی این لشکر توانست در چنین شرایطی از قلمرو امپراتوری خارج شود، این اندیشه در ذهن یونانیان پرورده شد که امپراتوری پارس شکست‌ناپذیر است. پیش از آن یونانیان همواره به سرزمین پارس، چونان موجودیتی برتر می‌نگریستند و آرزویشان این بود که بتوانند به قدرتی چون آن بدل شوند. با شرح این بازگشت در کتاب گزنفون اما این پندار پاره شد. اینگونه بود که بعدتر چنان‌که پلوتارک نیز بدان اشاره کرده است، آژه زیلاس قصد حمله به ایران کرد. هجوم پادشاه اسپارت به شکست انجامید چون ایرانیان با تطمیع یونانیان را گسسته کردند. اسکندر مقدونی از این شکست و آن حربه ایرانیان البته درس آموخت و فقط آنگاه ارتش خود را به مرزهای شرقی گسیل داشت که خیال خویش را از داخل یونان آسوده کرده بود.

درس عقب‌نشینی

آتاباسیس از نظر عرضه داده‌های قابل اعتنای جغرافیایی، مردم‌شناسی و سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. او در کنار بیان نکاتی درباره ساختار امپراتوری هخامنشی با مردمان متکثر و اقوامی متنوع و آیین‌های تجمعاتی رایج در این تمدن، ایرانیان را در سیاست و مذاکره مردمانی هوشمند معرفی می‌کند که در جنگ بیش از آن‌که به نبرد تن به تن روی آورند، از مهارت‌شان در سوارکاری و اسب‌سواری بهره می‌برند. در عین حال او اختلافات درونی و جاه‌طلبی‌های شاهزادگان را نشان‌دهنده‌ای از شکنندگی احتمالی این ساختار می‌داند. جز اینها اشارات گزنفون به راهکارهای جنگی، تحسین بسیاری از معاصران را نیز در پی داشته است. برای نمونه در دوران جنگ داخلی، تئودور داج، مورخ آمریکایی نوشت: «پیش از اسکندر، مهم‌ترین سربازی که می‌توان از او درباره جنگ آموخت، گزنفون است. این گزنفون بود که به جهان یاد داد چگونه باید عقب‌نشینی کرد و چگونه باید پس‌فرار را رهبری کرد.»

تأثیر کوروش نامه گزنفون بر آرای بنیان‌گذار

این فقط «آتاباسیس» گزنفون نبود که تحسین آمریکایی‌ها را برانگیخت. دیگر اثر او «کوروش نامه» هم چنین سرنوشتی پیدا کرد. برای نمونه در کتابخانه شخصی توماس جفرسون، نویسنده پیش‌نویس اعلامیه استقلال و از بنیان‌گذاران آمریکا، حداقل چهار چاپ مختلف از این کتاب وجود داشت و او در نامه‌ای به نواش، وقتی به او توصیه کرد که به‌طور منظم به تاریخ و ادبیات یونانی و لاتین بپردازد، این نکته را افزود: «در یونانی نخستین کتاب «کوروش نامه» آغاز کن.» جدا از این، الهام‌بخشی کوروش کبیر بر شخصیت بنجامین فرانکلین و جان آدامز نیز مورد توجه محققان قرار گرفته است. بخشی از این آشنایی البته از معبر احیای کتاب‌های کلاسیک یونان و روم باستان در عصر رنسانس است. در این دوران متفکری چون ماکیاولی و بعدتر ژان ژاک روسو بودند که به اهمیت اثر گزنفون پی بردند و بدین ترتیب این کتاب که در آن از شیوه حکمرانی عادلانه کوروش کبیر بر اقوام متکثری که زیر چتر امپراتوری پارس زندگی می‌کردند، ستایش شده است، به متنی آشنا نزد متفکران آمریکایی بدل شد. از این منظر شاید بتوان به این گمانه‌زنی پرداخت که بخشی از اعتقاد راسخ و تأکید مداوم جفرسون بر منشور آزادی مذهبی و تلاش او برای تحقق رواداری دینی در آمریکا در حق اقلیت‌های مذهبی متأثر از شیوه حکمرانی هخامنشیان باشد؛ امری که یکی از شواهد جدی در تایید آن، یادداشتی است که جفرسون بر حاشیه کتاب «رساله درباره آداب و روح ملل» نوشته فرانسوا ولتر، نوشته و در آن مدارا و رواداری دینی را پیش‌رو کبیر راستوده است.

کاش ماسک کوروش نامه را نیز بخواند

اینک اما باید منتظر ماند و دید بعد از خواندن «آتاباسیس»، ایلان ماسک سراغ خواندن «اسایرویدیا» نیز خواهد رفت یا نه؟ آنچه او به‌همراه ترامپ در حال انجام آن است، از نظر بسیاری از منتقدانش، حاکی از دور شدن آمریکا از آرمان‌های حقوق بشری و آزاداندیشانه آرای بنیان‌گذار و حتی فنون توازن قوای پیشنهادی آنهاست که می‌کوشید از مطلق‌شدن قدرت نزد رهبر جلوگیری کند. در کنار این مطالعه «کوروش نامه» اهمیت روحیات شخصی رهبران در ساماندهی جوامع را نیز مد نظر قرار می‌دهد و با این تفاسیر شاید خواندن دیگر اثر گزنفون، این حسن‌را داشته باشد که کسی چون ماسک در برابر رهبری چگونه باید بر احترام و اقتدار، هر دو مبتنی شود، بنابراین دموکراسی‌ورای صندوق‌های رأی، آنگاه به تحولی معنادار راه می‌برد که به مدارا و رواداری بیانجامد.

چهره

صدای ماندگار مناجات

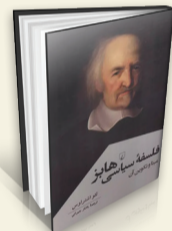
علی اکبر رحیمی، هنرمند خطه خراسان، ردیف‌دان آوازهای ایرانی و مناجات‌نامه‌خوان، استاد مسلم آوازهای سنتی و مسلط به دستگاه‌های موسیقی بود. او در بسیاری از محافل از جمله مراسم‌های معنوی ماه مبارک رمضان و مناجات‌های نیمه‌شب سحرگاهی اجرا داشت. رحیمی، در مکتب آوازی و هنری غلامحسین ظهیرالدینی تعلیم یافته بود و از ذاکران باهویت اهل بیت (ع) به‌شمار می‌رفت. او که بحق، عنوان «صدای ماندگار مناجات» براننده‌اش بود، با نوای گرم و طنینی خوش، عشق‌ر از زمزمه می‌کرد و در منقبت خاندان نبوت، دل‌های بسیاری را به سوی حقیقت رهنمون می‌ساخت. علی اکبر رحیمی، نامی آشنا برای هر آن‌که دل در گرو محبت اهل بیت (ع) دارد، عمری را در کسوت منقبت‌خوانی و سحر خوانی، وقف ترویج و معارف اهل بیت (ع) کرد. او با بهره‌گیری از مناجات‌سرایی و مناجات‌خوانی، به شناساندن ذات احدیت می‌پرداخت. آیین خاکسپاری این مناجات‌خوان روز سه‌شنبه ۱۴ اسفندماه در بهشت رضای شهر مشهد برگزار شد. معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، درگذشت این هنرمند پیشکسوت را به جامعه موسیقی تسلیت گفت.



کتابخانه

جدال قدما و مدرن‌ها

«فلسفه سیاسی هابز (مینا و تکوین آن)»، نوشته لئو اشتراوس با ترجمه یاشار جبرانی در ۲۴۸ صفحه و با قیمت ۲۲۰ هزار تومان توسط نشر ققنوس منتشر شد. «فلسفه سیاسی هابز (مینا و تکوین آن)» (۱۹۳۶) از حیث زمانی میانه دو بصیرت لئو اشتراوس قرار گرفته است. او هنگام نگارش این اثر، پیشاپیش از زمینه و زمانه تاریخ‌گرای خود گسسته بود؛ او تغییر جهت داده و متقاعد شده بود که بازگشت به قدما و فهم آن‌ها دقیقاً به آن شیوه‌ای که آنان خود را می‌فهمیدند نه تنها ممکن بلکه ضروری است. به‌عبارت دقیق‌تر این اثر در افق کشف دوباره «جدال قدما و مدرن‌ها» نوشته شده است. یعنی بر مبنای این فرض که فلسفه سیاسی مدرن و موقعیت نیهیلیستی‌اش فقط در افق آن چه به نحوی آگاهانه از آن گسسته است، یعنی فلسفه سیاسی قدمایی / کلاسیک قابل فهم است. از این حیث این اثر اشتراوس دربردارنده بسیاری از مضامین و بصیرت‌هایی است که در آثار متأخر او نیز دیده می‌شوند.



فلسفه سیاسی هابز

نویسنده:

لئو اشتراوس

مترجم:

یاشار جبرانی

انتشارات: ققنوس

تاریخ

قرارداد الجزایر



اختلافات مرزی ایران و عراق در کنار اختلاف‌های سیاسی، در دوران حکومت محمدرضا پهلوی و احمد حسن البکر به اوج خود رسیده بود. در پی این اختلافات، در پایان نشست سران اوپک در شهر الجزیره در تاریخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۵۳ اعلامیه مشترکی از سوی ایران و عراق در خصوص نحوه حل اختلافات دو کشور منتشر شد. در این اعلامیه مشترک مرزهای زمینی دو کشور براساس پیمان قسطنطنیه ۱۹۱۳ و صورتجلسه‌های کمیسیون تعیین مرز ۱۹۱۴ و مرزهای آبی براساس خط تاوگ مشخص شد و دو کشور در مرزهای خود کنترل دقیقی برای جلوگیری از نفوذ خرابکاران به داخل خاک یکدیگر به عمل آوردند. در نهایت این اعلامیه به انعقاد قرارداد الجزایر با میناجی‌گری هواری بومدین، رئیس جمهور وقت الجزایر در سال ۱۳۵۴ انجامید. مقامات وقت ایران از قرارداد الجزایر به‌عنوان «پیروزی ملی» و «موفقیت بزرگ سیاست خارجی ایران» نام بردند و بعدتر برخی تحلیلگران تحقیر صدام در این قرارداد را یکی از علل حمله متعاقب او به ایران دانستند. نسخه اصلی این پیمان هم‌اکنون به‌عنوان یکی از اسناد سازمان ملل متحد در مقر آن نگهداری می‌شود.